

کلامی چند با خواننده

آموزش و پرورش سرمایه‌های انسانی جامعه، در بستر مدرسه و کلاس درس رقم می‌خورد، بستری که دارای ماهیتی اجتماعی است. این بستر اجتماعی مستعد، در دستان معلمان عزیز قرار دارد.

یک معلم نه تنها باید بر مبحث اصلی درس و آموزش خود مسلط باشد، بلکه باید از دیدگاهی قوی در تعلیم و تربیت برخوردار باشد. هدف این کتاب، تقویت مهارت‌های معلمان در بهبود فضای ذهنی دانش‌آموزان و مدیریت روانی و اجتماعی کلاس است؛ فضایی اجتماعی که از فضای مدرسه و دیگر فضاهای اجتماعی مثل خانه و محله جدا نیست.

هدف عمده این کتاب، اساساً کمک به معلمان از طریق روان‌شناسی اجتماعی آموزش در کلاس است و در این مسیر باید از مطالب و پژوهش‌های موجود در این زمینه استفاده می‌شد.

یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های معلمان، کمک به پرورش عزت‌نفس و یک احساس مناسب و کارآمد نسبت به خود در دانش‌آموزان است؛ از این رو، در این کتاب به مبحث خود در فضای آموزشی پرداخته شده است. مباحثی همچون خود و ابعاد آن (بعد هوشیاری، بعد بین‌فردی و بعد اجرایی) و فرایندهای آنها توضیح داده شده است.

سپس به مهم‌ترین دغدغه معلمان، یعنی مدیریت فضای روانی و اجتماعی کلاس پرداخته شده است. در این بخش، مباحثی مهم از قبیل ضرورت نگاه اجتماعی در کلاس درس، خطاهای ممکن در کلاس درس،

رفتار متفاوت معلم با دانش‌آموزان و تأثیر آن، فعال‌شدن راهبردهای خودتنظیمی، یادگیری مشارکتی و یادگیری رقابتی و نیز یادگیری انفرادی، اهداف آموزشی معلم، مدیریت فضای روانی کلاس و جو آموزشی مطرح شده است.

در این کتاب، باید قدردان آقای دکتر اوخرو برنال^۱ (۲۰۱۸)، خانم پستور روپس^۲ و همکاران (۲۰۱۸)، خانم گارسیا-آئل و آقای مورالس^۳ (۲۰۱۸)، خانم مورال جیمنس^۴ (۲۰۱۸)، آقای گلزارد^۵ و همکاران (۲۰۱۴)، آقای پورتر^۶ (۲۰۱۴) و پروفیسور مایرز^۷ (۲۰۱۰) باشم، چراکه فصل‌های یک، سه و چهار این کتاب، به مطالب این متخصصان ارجاع داده و از مطالب و ساختار طرح‌شده ازسوی این مؤلفان بسیار استفاده کرده‌ام. مطالبی بخش قابل توجه آنها به زبان اسپانیولی بوده، و همین موضوع باعث شده است که بسیاری از پاورقی‌ها به همین زبان ارائه شوند و خواننده باید نسبت به تغییر نوع زبان در پاورقی‌ها هوشیار باشد. در فصل پنج، مطالبی دربارهٔ ایجاد و تقویت یک سیستم مؤثر و رضایت‌بخش ارائه شده است. این مطالب درخصوص قواعد مدرسه، مسائل اجتماعی آسیب‌زا در جامعه، فضای مجازی و فضای خانوادهٔ دانش‌آموز و حتی فضای فیزیکی مدرسه و کلاس درس است.

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، فصول مختلف کتاب، بیشتر از مطالب روان‌شناسان اجتماعی غربی بهره برده است و عمدتاً از پارادایم اثبات‌گرا نوشیده است که به اصالت حس و تجربه معتقد است. بااین‌حال، نمی‌توانیم از غنای چشمگیر منابع معنوی برگرفته از اسلام و به‌خصوص تشیع - که بستر

1. Ovejero Bernal

2. Pastor Ruiz

3. García-Ael & Morales

4. Moral Jimenez

5. Glazzard

6. Porter

7. Mayers

مذهبی کشورمان است- بی‌بهره بمانیم؛ رویکردی که با استفاده از یک معرفت‌شناسی مبتنی بر یکتاپرستی- که خود بستری برای رهایی از اضطراب‌ها و آزادگی است- و نیز ارزش‌های اصیل (همچون عدل و انصاف، حکمت و علم‌اندوزی، عفت، شجاعت و محبت، احترام و مسئولیت‌پذیری) و مطالبی بس ارزشمند می‌تواند یاریگر معلمان گرامی باشد، و در اینجا، علاقمندم از یک خاطره صحبت کنم.

سالها پیش وقتی کمتر از بیست و پنج سال داشتم و برای یک روزنامه پر تیراژ در جمهوری دومینیکن می‌نوشتم، سعی می‌کردم که با کلام ارزشمند بزرگانی همچون حضرت رسول(ص) و حضرت علی(ع)؛ و مطالبی همچون «یکساعت فکر کردن بهتر از هفتاد سال عبادت است»، پلی فرهنگی برای غنای جامعه‌ای باشم که در آن تحصیل می‌کردم. روزی یکی از خوانندگان مطالبم مرا از روی چهره شناخت و بلافاصله ترمز کرد، از خودروی مدل بالای خود پایین آمد و گفت: تو همان شخصی نیستی که در روزنامه ال ناسیونال می‌نویسی؟ پاسخ دادم: بله، خودم هستم. او گفت ما در خانه می‌گوییم که این دختر از مریخ آمده که اینقدر می‌داند. قطعاً این تحسین بخاطر دانسته‌های من نبود، بلکه بخاطر کلام حکیمانه بزرگانمان بود، و امروز از خود می‌پرسم که چرا از این گوهرهای ناب و حکیمانه به شکلی جدی، بدون تعصب و نظام‌یافته بهره نگیریم؟!

به همین علت، در انتهای اغلب فصول (یک، دو سه و چهار) کوشیده‌ام که مطالبی سودمند و کاربردی از رویکرد الهی‌خلاق در کتاب ارائه کنم؛ نگاهی که بیشتر، از منابعی موثق مثل قرآن، احادیث و برخی تجارب معلمان موفق بهره جسته است. فصل پنجم تنها فصلی است که در آن از رویکرد الهی‌اخلاقی به صورت محدودتر و بیشتر در بخش ابتدایی استفاده شده است، چراکه بیشتر در جهت پاسخ به نیازها و سؤالات معلمان و دغدغه‌های مختلف و گوناگون (و غیرمنسجم) تألیف شده است و ماهیتی متفاوت دارد.

واقعیت این است که موضوعات معنوی و اخلاقی، در تعاملات اجتماعی

کشورمان بسیار موثر است. بطور مثلاً، این موضوعات در حل بسیاری از تعارضات اجتماعی در کشورمان سهمی بسزا دارد و این موضوع نباید مغفول بماند یا کم‌اهمیت در نظر گرفته شود؛ برای مثال، در کشوری مثل ایران بسیاری از خانواده‌ها هستند که از اجرای حکم قصاص برای قاتلان فرزندانشان، در لحظات نزدیک به اجرای حکم صرف‌نظر می‌کنند و در نتیجه اعتقادات دینی و معنوی خود، قاتل را می‌بخشند. واقعیت این است که این نوع از بخشش‌ها یا این نوع از حل تعارضات، در کتب غربی روان‌شناسی اجتماعی همچون مایرز (۲۰۱۰) اصلاً مورد توجه و بررسی جدی قرار نگرفته است و این سؤال پیش می‌آید که چرا باید این مزیت ارزشمند در جامعه علمی کشورمان نادیده گرفته شود. برخی دیگر از موضوعات، برای مثال، همرنگی، نفوذ اجتماعی، خود، رفتار یاری‌رسان و... همگی به همین صورت می‌توانند تحت تأثیر جدی معنویت و اخلاق قرار گیرند و باعث بروز رفتارهای مطلوب‌تر اجتماعی دست‌کم در گروه‌هایی خاص از مردم شوند که اخلاق و معنویت بالاتری دارند، و این موضوع باید در جامعه ما لحاظ شود.

در این راستا، باید تأکید کنم که مطالب مربوط به رویکرد الهی اخلاقی صرفاً در حد پیشنهادهایی محدود برای شروع این رویکرد است و واقعاً حق مطلب در این زمینه هنوز ادا نشده است؛ از این رو، همراهی دیگر همکاران برای تقویت این پارادایم یا این جو علمی لازم است. البته برخی پژوهش‌های ارزشمند در این زمینه انجام شده است؛ برای مثال، چوپان (۱۳۹۸) نشان داده است که سه مؤلفه شخصیتی در سه طبقه‌بندی افرادی که به‌طور هم‌زمان اخلاق و معنویت بالا، پایین و متوسط داشتند، به‌صورت جالبی در سطح شهر تهران تفاوت داشته است؛ بدین صورت که میانگین باوجدان بودن افرادی که هم‌زمان دارای معنویت و اخلاق بالا بودند، به‌طرزی معنادار از افراد طبقه‌بندی متوسط بالاتر بود. علاوه‌براین، میانگین مؤلفه باوجدان بودن افرادی که هم‌زمان دارای اخلاق و معنویت متوسط بودند، از افراد دارای اخلاق و معنویت پایین به‌صورت معناداری متفاوت و بالاتر بود. لکن میانگین دو مؤلفه دیگر، یعنی دلپذیر بودن و

برون‌گرایی افرادی که هم‌زمان دارای اخلاق و معنویت بالا و هم‌زمان دارای اخلاق و معنویت متوسط بودند، با افراد دارای اخلاق و معنویت پایین تفاوت معنادار داشت. اگر دست‌کم سه مؤلفه شخصیتی افراد در این سه گروه متفاوت است، پس بسیاری از موضع‌گیری‌های آنها در رابطه با موضوعات اجتماعی احتمالاً تفاوت خواهد داشت.

اما، دست‌کم دو دلیل مهم دیگر برای اتخاذ چنین رویکردی خودی و استفاده از منابع موثق معنوی خودی وجود دارد: اول اینکه؛ سؤالاتی مثل اینکه «انسان از کجا آمده است؟ برای چه آمده است؟ به کجا می‌رود؟ فلسفه آفرینش چیست؟ آیا این جهان با عظمت، طراح و برنامه‌ریز حکیم... دارد؟ ایجاب می‌کند که آدمی برای ارضای میل حقیقت‌جویی، مکتب و فلسفه‌ای را برگزیند تا پاسخ‌گوی این مسائل باشد، زیرا هیچ دانشی به چنین پرسش‌هایی پاسخ نمی‌دهد؛ بنابراین، انسان در چارچوب آن تفکر و بینش، می‌تواند جهان و انسان را بشناسد و طبق آن فلسفه و جهان‌بینی، درست عمل کند» (شریعتی سبزواری، ۱۳۸۷ به نقل از جلالوند، ۱۳۹۹: ۱۱۰). بدیهی است که یک نظام آموزش و پرورش باید طبق مسیر تکامل انسان در این جهان هستی تنظیم و برنامه‌ریزی شود؛ بدین ترتیب، یکی از مهم‌ترین علل استفاده از منابع موثق معنوی یا مذهبی خودی، همین توجه به مسیر تکاملی انسان است که رویکردهای غربی سکولار، از پاسخ به این سؤالات ناتوان‌اند.

دلیل دوم این است که به‌باور محققانی همچون روزالی و لوبیس تقسیم‌بندی‌های حوزه‌های علمی مبتنی بر معرفت‌شناسی غرب، مستلزم قراردادن فرهنگ غربی در جایگاهی بالاتر نسبت به جهان‌بینی اسلامی است (Sardar, 1998 به نقل از Rozali & Lubis, 2024). طبق نظر آنها از دیدگاه اسلام، اصلاح این امر ضروری است، زیرا برای آینده جامعه و تمدن اسلامی عواقبی فاجعه‌بار در پی خواهد داشت.

اما در این کتاب به جای لفظ «اسلامی» یا «دینی»، از عبارت رویکرد «لهی/اخلاقی» استفاده شده است. این موضوع دست‌کم پنج علت دارد؛ ابتدا

اینکه، پیروان هر دینی ممکن است با موضوعات علمی متعصبانه برخورد کنند و این اساساً از نظر یک دین اصیل مقبول نیست. خود قرآن می‌گوید «و وقتی سخن می‌گویید عدالت بورزید، ولو درباره‌ی نزدیکانتان باشد»^۱؛ ولی وقتی که سخن از رویکرد الهی و اخلاقی می‌شود، امکان و جرئت نقد در فضای انصاف به وجود می‌آید. دوم اینکه، اگر اصالت دینی هم وجود داشته باشد، این در رابطه با موضوعات اخلاقی است که در انجام اعمال صالح نقشی بسیار مهم دارد، چراکه حضرت رسول(ص) خود فرموده است «به‌راستی من برای تمام کردن (اکمال) مکارم اخلاق مبعوث گردیدم»^۲. سوم اینکه، این عنوان (الهی اخلاقی) هشدار می‌دهد به تمام متخصصان است و یادآورنده‌ای است که با آن، خداوند و اخلاقیات را در هر فعالیت علمی و حرفه‌ای روان‌شناسی یا آموزشی لحاظ کنند. چهارم اینکه، در مقاطعی از زمان، شاهد تبلیغ نوعی اسلام‌هراسی در سرتاسر دنیا بودیم اما هیچ‌گاه شاهد توحیدهراسی یا اخلاق‌هراسی نبوده‌ایم، چراکه یکی از ارکان مهم ایجاد رضایت در تعاملات بشری، رعایت اخلاقیات و در نظر گرفتن خداوند است. آخر اینکه، در رویکرد الهی اخلاقی، به محققان اجازه داده می‌شود که به‌جای پیش‌فرض‌های اثبات‌گرایانه صرف، در قالب رویکرد رفتاری یا شناختی و یا تفسیری مثلاً در قالب‌های سازه‌گرایی یا برساخت‌گرایی، و یا پدیدارشناسانه در قالب انسان‌گرایی و غیره، از پیش‌فرض‌های بسیار موثق منابع اعتقادی-همچون قرآن که شواهدی دال بر اعجاز آن وجود دارد- درباره‌ی خصوصیات علم و نیز ذات بشر و رابطه‌ی آن با جهان استفاده کنند. البته این امر سبب می‌شود هر فردی از هر دین و اعتقادی، در پی کشف شواهد و منابع متقن دینی باشد؛ همین تلاش‌ها باعث تعمق و یافتن حقایق ادیان، علی‌الخصوص اسلام می‌شود و

۱. و اذا قلتم فاعدوا و لو كان ذاقربی (قرآن، انعام: ۱۵۲).

۲. انما بعثت لاتمم مکارم اخلاق (بحار، ج ۱۶: ۲۱۰ و ج ۷۰: ۳۷۲ به نقل از پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۹۶). صرف‌نظر از سند حدیث، باید تأکید کنیم که اساساً اخلاق، تنظیم‌کننده تقریباً تمام یا بسیاری از روابط بشر است.

سبک زندگی اسلامی^۱ مطرح شده در آن مورد بررسی و توجه مضاعف قرار می‌گیرد.

اما شاید این سؤال پیش بیاید که با نسبیت اخلاق چه باید کرد. بله باید پذیرفت که نسبیت موضوعات اخلاقی و حتی تفاسیری که از قرآن به عنوان اعجازی عظیم وجود دارد، غیر قابل انکار است و در بسیاری از موارد باعث بروز اختلاف نظرهایی در بین فرق شیعه، سنی و حتی فراتر از آن، در بین مواضع علمای شیعه و یا در بین مواضع علمای سنی شده است. باین حال، باید به این موضوع توجه کرد که اگرچه نسبیت مواضع و ادراکات افراد عادی^۲ را نمی‌توان انکار کرد ولی می‌توان آن را با شناخت ارزشهای پژوهشگران، درک کرد و به صورت نسبی کاهش داد. دست کم با اتخاذ روش‌های علمی می‌توان مهم‌ترین واقعیت‌ها را شناخت. افرادی همچون هابرماس (۱۹۹۹) به نقل از جعفری روشن، (۱۳۸۵)، والنر (۱۹۹۸) به نقل از جعفری روشن، (۱۳۸۵) و کاپچیک (۲۰۰۱) به نقل از جعفری روشن، (۱۳۸۵) و نیز جعفری روشن (۱۳۸۵) در این مسیر رویکردهایی را مطرح کردند؛ برای مثال، در خسروی جعفری (۲۰۰۳) و جعفری روشن (۱۳۸۵) می‌بینیم که روش پژوهش‌نگاری چندبعدی عمل‌گرا می‌تواند راه حلی برای نزدیک کردن دیدگاه‌های مختلف به یکدیگر باشد. همچنین در جعفری روشن (۱۴۰۰) آمده است که «اگر موضوعی، در زمان‌های مختلف به وسیله خرده‌فرهنگ‌های علمی و اجتماعی مختلف با استدلال مورد تأیید قرار گیرد و نظر مشترک این افراد از خرده‌فرهنگ‌های

۱. یکی از مثال‌های سبک زندگی مطرح در اسلام، توجه به نماز است. صرف نظر از تأکید قرآن (که وجود اعجاز از نقطه نظر ریاضیات و ... در آن مشهود است) بر نماز؛ در پژوهش ریاضی و جعفری روشن ۲۰۲۲ دیده شد که افراد متعهد به نماز، در مقایسه با کسانی که به نماز متعهد نبودند، در نمره کل سلامت عمومی (GHQ) و هر چهار مؤلفه آن (افسردگی، اضطراب، اختلال خواب و سلامت جسمانی)، به صورت معنی‌داری وضعیت بهتری داشتند. وضعیت افرادی که انواع دیگری از مراقبه را انجام می‌دادند، تنها در مؤلفه نمره کل و مؤلفه افسردگی، بهتر از افرادی بود که هیچ نوع مراقبه‌ای را انجام نمی‌دادند (Riazi & Jafari Roshan, 2022).

۲. البته، نمی‌توان منکر شد که افراد ممکن است با پرورش فوق العاده استعدادها و ادراکات خود، به توانمندی‌های خاص و فوق العاده دست یابند.

مختلف باشد، اگر آن موضوع همه واقعیت نباشد، قطعاً بخشی از آن است که می‌توان آن را یک واقعیت تقریبی در نظر گرفت»، و البته «تفاوت دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و منافع این گروه^۱ از افراد نیز از اهمیت برخوردار است». علاوه بر همه این موارد، نباید فراموش کنیم که تفاوت در برجستگی انواع ارزش‌های اخلاقی است که باعث می‌شود سیستم آموزشی کشوری مثل ژاپن، با آمریکا یا با ایران و اندونزی متفاوت شود، و نباید الزاماً و بالاجبار در پی یکسان‌سازی سیستم ارزشی کشورها و جوامع مختلف بود. هر کشور و سیستمی می‌تواند براساس آنچه منابع متقن، موثق و قابل‌اعتماد فرهنگ و منابع خودی است، مهم‌ترین ارزش‌های سیستم آموزشی خود را تعیین کند.

مجدداً باید تأکید کنم که مختصری که از رویکرد الهی‌اخلاقی در اینجا آورده شده است، حق مطلب را درباره این رویکرد ادا نکرده است اما همین اندک، دریچه و مسیری است برای تشویق پژوهشگران و متخصصان و معلمان که در این مسیر فعالیت کنند و با یک سری اصول معرفت‌شناختی اصیل و رویکردهای علمی و آموزشی متقن، به تولید علم و انسجام هرچه بیشتر مطالب علمی در حوزه روان‌شناسی اجتماعی آموزش بپردازند. این فعالیت‌ها می‌توانند در بستر رویکرد زیست‌محیط‌شناسانه سیستم‌ها به‌عنوان رویکردی کل‌نگر انجام شوند که بستری مناسب برای علم روان‌شناسی و به‌صورت خاص روان‌شناسی اجتماعی آموزش است (در تعریف روان‌شناسی اجتماعی در فصل یک به آن اشاره شده است)، چراکه به‌دلیل کل‌نگر بودن، با رویکرد الهی‌اخلاقی قرابت بیشتری دارد. امید است این کتاب، زمینه‌ساز تعاملات مثبت، موفق و هوشمندانه، مدبرانه و علمی معلمان سرزمینمان در کلاس‌های درس باشد.

دکتر مرجان جعفری روشن^۲

تیر ۱۴۰۳ ه.ش

۱. یک گروه محقق.

۲. نام خانوادگی مؤلف از سال ۱۳۸۵ از خسروی جعفری به جعفری روشن تغییر یافته است.